

تأثیر آیین مهری بر هنر و فرهنگ ایران

زهرا زمرشیدی

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

Email: zzorshidi@gmail.com

دکتر علی اصغر فهیمی فر

استادیار دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

اساطیر بخش جدانشدنی از زندگی ما به شمار می‌روند. آیین و سلوک دیروز مردان و زنان ایران، بسیاری از مفاهیم فرهنگی امروزه ما را ساخته است. میترا یکی از ایزدان ابتدایی در نزد ایرانیان، از زمان مهاجرت هند و اروپایی‌ها به شمار می‌رود. مفهومی که رفته رفته تبدیل به یک دین مستقل گردید. و مفاهیم زیادی را به وجود آورد که در فرهنگ و هنر زمان خویش تا به امروز کاربرد داشته است. در این مقاله سعی بر این شده تا با نگاهی کلی به آیین میترايي و مراحل هفت‌گانه تشریف، تأثیر آن بر هنرها و فرهنگ‌های بعد از آن بررسی شود. نمادهایی که خاص میترا است و از سوی پیروان وی به کار می‌رفته، در ادیان بعد از خود (زرتشت‌گری - مسیحیت - اسلام) نفوذ کرده و گاه همان مفاهیم و گاهی فقط این نقشینه‌ها با تغییر مفاهیم تکرار شده. برخی از نمادهای وی هم، به دلیل مغایرت با فرهنگ‌های بعدی، به طور کل حذف گردیدند. این پژوهش که به روش تحلیلی - توصیفی - تاریخی نوشته شده است، سعی بر آن دارد که این نمادها شناسایی گردد و ما دلیل بسیاری از مضامین فرهنگی امروزه خود را بدانیم تا بر دیرینه و ایرانی بودن آن پافشاری کنیم.

واژگان کلیدی: آیین مهری، میترا، نمادهای مهری، هنر اسلامی.

مقدمه

در میان ادیان زیادی که در ایران شکل گرفته‌اند، میترائیسم از اثر بسیاری برخوردار است. گستره جغرافیایی دین مهری، از چین تا شمال انگلستان را فرا گرفته؛ و پایه بسیاری از تمدن‌های مهم گشته است. مضامین روزمره و عادی مردم که تأکید بر راستی و درستی دارد. بدون هیچ چرایی بر مفاهیم فرهنگی بعد از خود نفوذ کرده است.

پر واضح است که در ابتدا، میترا تنها ایزدی از ایزدان مهم روزگار خویش بوده و با مرور زمان و گذشت دگرگونی‌ها، تبدیل به یک دین گشته است. بعد از ظهور زرتشت و یکتاپرستی، با این که از شأن ایزدی میترا کاسته شد و به فرشته تنزل درجه پیدا کرد، ولی با حضور پر رنگی داشت. به گونه‌ای که بسیاری از نمادهای دین زرتشتی، بر آیین مهری استوار شد.

به هر سوی، این پژوهش به دنبال جوابی برای این پایداری چند هزار ساله است. که این نمادها چه بوده و چه معنا داشته و در ادوار بعدی نیز چه کاربردی داشته‌اند؟! در حضور پر رنگ و گسترده آیین مهری در ایران، مضامین فراوانی به جای مانده که در این مقاله به مواردی اندک و کلی از آنها اشاره شده است.

نگاهی به دین آریایی‌ها پیش از زرتشت

اجداد ما که به هند و اروپایی مشهور هستند، نزدیک ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، جنوب روسیه امروزی را به سمت منطقه ایرانویچ (در حدود جغرافیایی دریاچه آرال و دریاچه خزر) ترک نموده‌اند و آنجا چند گروه شده و راه مهاجرت به نقاط مختلف را پیش گرفتند.

منطقه محل زیست ایشان (دشت سیبری) بسیار خوش آب و هوا بود. ولی پس از چندی رو به سردی گذاشت و زندگی برای ایشان دشوار گردید که تصمیم به مهاجرت گرفتند. سپس در ایرانویچ (خوارزم)، گروهی به سوی هند حرکت کردند و گروهی به ایران آمدند و پس از آن هم گروه دیگری به اروپا هجرت کردند. بدیهی است که از این راه آداب و عقاید اقوام مذکور وارد سرزمین‌های یاد شده گردید. پس ایران و هند مشترکات فراوانی دارند که این را ریگ ودا (کهن‌ترین اثر مکتوب هند و ایرانی) به خوبی نشان می‌دهد.

«اساطیر وراپی در کهنی‌ترین بخش خویش، عصری بسیار کهن از دین را نشان می‌دهد که در آن پدیده‌های طبیعی شخصیت می‌یابند و پرستش می‌شوند.» (بهار، ۱۳۸۴، ۱۳۸).

جالب است که ریشه و بن تفکر و اعتقادات هر دو فرهنگ یکی بوده؛ ولی به مرور زمان، هندیان تفکر فلسفی و شاعرانه و چندین خدایگونه پیدا می‌کنند. حال این که در ایران، به سرعت عقلانیت و ثبات فکری و یکتاپرستی رایج می‌شود. و به اعتقاد «جان ناس» دلیل تفاوت حاصله، اثر شرایط جغرافیایی و اوضاع اقلیمی مناطق مذکور به افکار و اعتقادات اقوام یاد شده بوده. در فلات ایران که آب و هوا بیشتر خشک بوده، مردم به تلاش و پرکاری باور داشتند؛ ولی در محیط مرطوب و گرم هند، مردم به سستی و کم‌کاری و خیالات فلسفی روی آوردند. (برگرفته از جان ناس، ۱۳۸۴، ۴۴۸) ولی در این میان، میترا به عنوان اساسی مشترک در هر دو فرهنگ شمرده می‌شده است که در آینده با رسیدن این تفکر به قالب ترویج بین‌المللی، به سرعت مورد توجه و تقدیس جوامع مختلف بشری از چین تا شمال انگلستان قرار گرفت.

آیین مهر

«مهر یا میترا (Mithras) که در زبان اوستایی و در فارسی باستان، میتره (Mithra)، در سنسکریت، میتره (Mitra) و در پهلوی، میتر (Mitr) آمده، به معانی مختلف عهد، پیمان محبت، خورشید هفتمین ماه سال و روز شانزدهم هر ماه شمسی است. و چون به معنای نور بود، بعدها به معنی خورشید هم استفاده شد.» (یاحقی، ۱۳۸۶، ۷۸۷) «علاوه بر این مهر ایزد جنگاوری و هدایت و حمایت سربازان را برعهده داشته از دیرباز پادشاهان در هنگام کشورگشایی ابتدا بر مهر سجده کرده و برای رضایت وی قربانی می‌دادند و از او مدد می‌جستند.» (دادور، منصور، ۱۳۸۵، ۱۳۶) میترا زندگی را بر کسانی که پایبند به عهد خویش نبودند تلخ کرده و جهنمیان را با گرز خود شکنجه می‌دهد. و نگهبان مزارع و پاسبان مردم می‌باشد و در هنگام کم آبی نیزه‌ای بر تخته سنگی روا می‌دارد و از آن آب جاری می‌شود.

«مهر زیستگاه‌های آرامش بخش به سرزمین‌های آریایی می‌بخشد او چالاک‌ترین چالاکان، باوفاترین باوفایان، دلیرترین دلیران ... او بخشنده گله و رمه و راستی است.» (گویری، ۱۳۸۵، ۱۶۰).

«گردونه مهر را چهار اسب سپید نامیرا و دارای نعل‌هایی از زر و سیم حمل می‌کنند و مهر نخستین خدای مینوی است که پیشاپیش خورشید نامیرای تیز اسب به سراسر Hara می‌رسد... و نخستین [خدایی] است که قله‌های زیبا و زرین فام را فرا می‌گیرد، و هم از آن جا

است که این توانمندترین بر تمام سرزمین‌هایی که ایرانیان در آن مأوا دارند نظارت دارد. یشت ۱۰ بند ۱۳، گرشویچ، مهریشت ص ۷۹ «هینلز، ۱۳۸۹، ۲۱۷».

«از وظایف مهم دیگر وی نگهداری فرکیانی پس از بازگیری آن از جمشید است که هر شخص نالایق فرکیانی را سرکوب و فر را باز می‌ستاند.» (برگرفته از کرتیس، ۱۳۷۳، ۱۳).

پیروان او اعتقاد داشتند که او نه به صورت کودک بلکه هم چون جوانی متولد شده است. (تصویر ۱) «مادر مهر (آناهیتا) هنگامی که در آب آبتنی می‌کرد از تخمه پاک زرتشت بارور شده است. زایش وی را در میان غنچه‌های نیلوفر که مانند میوه کاج است به تصویر کشیده‌اند.» (مقدم، ۱۳۸۸، ۳۸) (تصویر ۲)

مهر ۶۴ سال زندگی کرده و در چهارم شهریور ماه سوار بر گردونه خورشید به آسمان عروج می‌کند.

میترا با وارونای هندی

میترا از خدایان مهم ریگ و دا است که نام او به جز یک مورد همیشه با وارونا آمده است. برای مثال در ریگ ودا چنین آمده است: «ای میترا - وارونا ای فرمانروایان آسمانی که بر عرش مقدس حکم می‌رانید و روشنایی نور را نظاره می‌کنید با ابرهای رنگارنگ خویش، در دل رعد و برق ظاهر می‌شود و با معجزات خدایی خود آسمان را به بارش درمی‌آوردید... ای جفت جاویدان، از حکومت جمال، که بر هزاران ستون استوار است، نگهبانی کنید.» (دادور، منصوری، ۱۳۸۵،

۲۷۵)



تصویر ۲: تصویر مهر از میان کاج



تصویر ۱: مهر هنگام زایش باکره‌ی جهان در دست، ادیبورگ آلمان (به صورت یک مرد کامل می‌باشد).

میترا ایزد پیمان است و وارونا اجرای پیمان را بر عهده دارد و ضامن اجرای این پیمان می‌باشد. از این رو اتحاد این دو ایزد از ضروریات نظام هستی به شمار می‌آید. «اگر این اتحاد نباشد، قوانین جاویدان هستی و ناموس خداوندی «راتا» هرگز اجرا نخواهد شد. به همین دلیل است که این دو خدا را «رتاون» (اصحاب ریتا) و یا «رتاس یاگوپا» (نگهبان ریتا) نام نهاده‌اند.» (ذکرگو، ۱۳۷۷، ۳۵، ۳۶، ۲۱۳).

میترا و وارونا دو ایزد به هم پیوسته و جدانشدنی با هم هستند و هر دو چشم خورشید شمرده می‌شوند.

«میتره - ورونه همان دو خدای فرمانروا - روحانی آریاییان در کهن‌ترین بخش وداها، کتاب دینی آریاییان هند هستند که خدای بزرگ ورونه و میتره همراه اوست. ایندیره، خدای جنگاور نیز در سوگندنامه‌ها مقام دوم را بعد از میتره - ورونه در دست دارد که فرماندهی جنگ در جهان خدایان است.» (دادور - برازنده، ۱۳۹۲، ۷۴).

«ترکیب میتره - ورونه در هند باستان به صورتی است که غالباً عباراتی خاص انسان توصیف می‌کردند و هر دو با هم بر گردونه درخشان خود که ساز و برگش همچون گردونه‌های زمینی است، سوار هستند و در اقامت گاهی زرین که هزار ستون و هزار در دارد، اقامت دارند. میتره و ورونه به صورت فرمانروایان کیهانی توصیف شده‌اند که نظم را در جهان خدایان و آدمیان برقرار می‌کنند. زیرا پیمان و سخن راست که اساس تمامی زندگی نظام یافته در کیهان، در دین و جامعه است، با مراعات پیمان مردمان با هم پیوستگی می‌یابند و دروغ مغلوب می‌گردد و اجرای معتقدانه وظایف مرتبط با مناسک موجب می‌شود که خورشید بتابد و باران ببارد.» (هنیلز، ۱۳۸۹، ۱۱۹-۱۲۰)

«سوما یا شیرۀ مخصوص قربانی که از گیاهی به همین نام گرفته می‌شد و عصاره آن در آن واحد هم برای خدایان و هم برای انسان‌ها مقدس و مکیف بود و خودش هم خدا به شمار می‌رفت. سوما مطابق با هوما (در ایران باستان) و دیونیزوس (در یونان) بود. او با مایه نشاط آور خود، الهام، خیرات، بصیرت و شادمانی به انسان داده و به او حیات جاودانی می‌بخشید.» (معصومی، ۱۳۸۷، ۱۱۷).

البته در آیین میترائیسم، در هنگام عبادت در مهرابه‌ها، این شیوه استفاده می‌شده است که با خون گاو قربانی شده آستانه جایگاه پیر آغشته می‌گردید.

گاو در باور پیروان میترا، مقدس شمرده شده و ایشان بر این باورند که از خون گاو قربانی شده، بسیاری از مواد موجود جهان آفریده شده. (تصویر ۲) در نتیجه استفاده از آن باعث جاودانگی می شده است. و مصرف این محلول، افراد را از حالت طبیعی خارج می کرده که با ظهور زرتشت و تبلیغ ایشان به یکتاپرستی، با این مناسک برخورد شدیدی شد و منجر به نزول شأن ایزد میترا به فرشته میترا گردید. و مهر از فرشتگان (امشاسپندان) مهم پس از اهورا مزدا معرفی شد.



تصویر ۳: قربانی کردن گاو

در اوستا نیز سروده‌های جالب و پر نفوذی به نام مهر ثبت گردیده که ثابت کننده اهمیت و جایگاه ویژه مهر نزد اکثر مردم بوده است. «دین مهری محبوبیت بسیار در میان عامه داشت و زرتشت موفق به از میان بردن کامل آن نشد و در آغاز تبلیغ دینش، با مخالفت شدید مهر پرستان مواجه شد و بالاخره هم به دست آنان در پرستشگاهی به قتل رسید.» (ورمازرن، ۱۳۹۰، ۱۸).

مراحل تشریف آیین مهری

- ۱- **کلاغ:** مقام اول که مقام خدمت‌گزاران مهرابه است. این افراد زیر نظر پدر مقدس پس از طی مراحل به جرگه مؤمنان می پیوستند. (رضی، ۱۳۷۱، ۳۴۶) این مرحله تحت حمایت سیاره عطارد می باشد. که در این مرحله به دهان نوآموز، مهر خاموشی می زدند که نشانه رازداری بوده است.
- ۲- **عروس یا نامزد:** با انجام یک سری کارهای دشوار، کلاغ می توانست به مقام نامزدی برسد. در واقع نامزدان میترا، رازداران آیین میترا بودند. (همان، ۱۳۷۱، ۳۴۵). این مرتبه و مرحله، تحت حمایت سیاره ونوس یعنی زهره یا ناهید می باشد.

۳- جنگی یا سرباز: اکثر نوآموزان مهری به این مرحله می‌رسیدند. (هینلز، ۱۳۸۹، ۲۳۴) این مرحله از تشریف، تحت حمایت سیاره مریخ می‌باشد.

۴- شیر: این اولین مرحله‌ای است که ریاضت‌های بدنی کم شده و فرد مهری به فضایل و معنویات آیین دست پیدا می‌کند. شیر یکی از مهم‌ترین مراحل تشریف به حساب می‌آید و مفاهیم زیادی را دربرمی‌گیرد. شیر منزلگه برج اسد و نماینده خورشید بر روی زمین است. از این رو فرد مهری در این مرحله، پاسداری از آتش مقدس را برعهده دارد. این مرحله تحت حمایت سیاره مشتری قرار دارد.

۵- پارسی: «تشریف یافته با غسل تطهیر می‌شد. نماد مقام پارسی، خوشه غله و داس بوده و تشریف یافته به چنین مقامی را پاسدار میوه می‌نامیدند.» (همان، ۲۳۶) این مرحله تحت حمایت سیاره ماه قرار دارد.

۶- خورشید: مظهر نور و درستی است. در اغلب تمدن‌های شرقی، خورشید بسیار مقدس می‌باشد.

۷- پدر یا پیر: این مرحله عالی‌ترین و والاترین مرحله مهری می‌باشد. در این گام، مهربان یکدیگر را برادر صدا می‌زنند. پدر نماینده مهر بر روی زمین است. و انجام مناسک مهری به عهده وی می‌باشد. این مرحله تحت حمایت زحل قرار دارد.

مهربان در مراسم و مناسک خود، گاوی را قربانی کرده و از گوشت آن استفاده می‌نمودند. خون گاو را با گیاهی به نام هوم مخلوط می‌کردند که یک نوشیدنی سکرآور و مقدس پدید می‌آمد و با خوردن آن از حالت عادی خارج می‌شدند.

میتراثیسم جزو ابتدایی‌ترین آئین‌ها در ایران بوده و نمادهای بی‌شماری را از آن خود کرده که مکرراً در نقش‌ها و مفاهیم فرهنگی بازبینی شده‌اند. اینها گاه به معنای اولیه خود بوده‌اند و گاهی هم با تغییر زمان و تأثیرپذیری از مضامین دیگر، معنای خود را از دست داده‌اند. نمادهایی هم به طور کل فراموش شده و دیگر بازخوردی در دنیای نوین ما ندارند. حال به بررسی چند نمونه از این نمادها می‌پردازیم:

زایش مهر و باروری مادر او در آب، برای ما روشن است. بدیهی است که نمادها و المان‌های همسو با آب، در آئین میتراثیسم محترم شمرده می‌شده‌اند. از جمله آن مروارید است.

مروارید: همانند بارور شدن آنهیتا در آب، بارور شدن صدف و پرورش آن در آب هم برای پیروان مهری مورد احترام است. (تصویر ۴)



تصویر ۴: طاق بستان - کرمانشاه - تصویر از اینترنت

در اکثر نقش‌های بر جا مانده از آن‌اهیتا، وی آراسته به یک گردن بند مروارید می‌باشد. **دلفین**: بعد از مروارید، بهترین نشانه برای به تصویر کشیدن داستان تولد و نگهداری وی، دلفین است. دلفین در آب بارور شده و فرزند خود را در آب به دنیا می‌آورد و پرورش می‌دهد که نشان از پاکی و قداست هر دو داستان می‌باشد. «در شرق ایران که دل سرزمین‌های مهری است، نقش‌های دلفین در پرستش‌گاه‌های مهری بسیار دیده می‌شود. عیسوی‌ها نیز با پیروی از مهری‌ها،

نماد دلفین را که هیچ‌گونه بستگی با عیسی نداشت، در نقش‌های دینی به کار می‌بردند.»

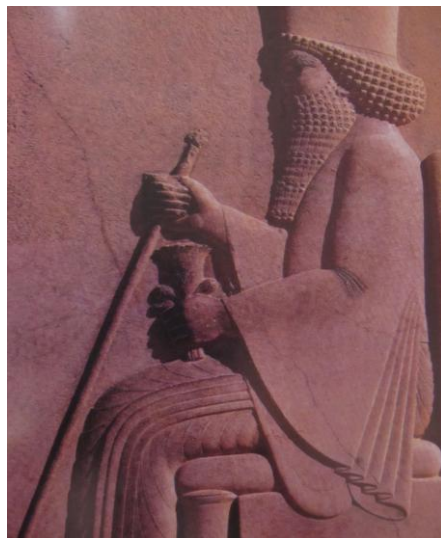
(مقدم، ۱۳۸۸، ۴۵) (تصویر ۵)



تصویر ۵: میترا سوار بر دلفین - مقدم

نیلوفر: نیلوفر در میان ایرانیان بسیار مقدس و پاک می‌باشد؛ و از اهمیت والایی برخوردار است. نیلوفر فرزند آب است. استفاده از نقش نیلوفر، بارها در یادمان‌های ایرانی به کار گرفته شده است. از جمله می‌توان به موبدی که در روز جشن مهرگان نیلوفر به دست دارد تا پیش‌کش شاه کند را نام برد. این نقش در تخت جمشید نیز کاربرد فراوان دارد. (تصویر ۶)

در طاق بستان نیز که یک یادمان مهری است، میترا بر روی گل‌های نیلوفر ایستاده (تصویر ۷) این نشان به دلیل سادگی و زیبایی، در دوران هنر اسلامی نیز به وفور یافت می‌شود. و در قالی بافی و نگارگری و کاشی‌کاری، کاربرد فراوان دارد. (تصویر ۸)



تصویر ۶: نقش شاه با گل نیلوفر
تصویر از نگارنده

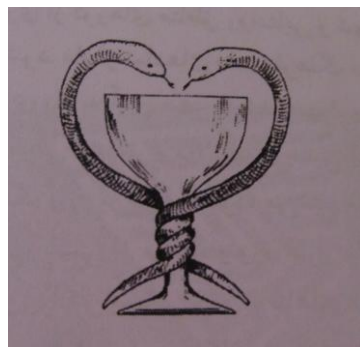
تصویر ۷: طاق بستان - کرمانشاه تصویر از اینترنت



تصویر ۸: قالی ترنجی دسته گل - گردآوری شرکت سهامی فرش ایران

سگ: سگ جزو آن گروه حیواناتی است که در صحنه کارزار کشته شدن گاو به دست میترا حضور دارد. سگ در ایران باستان، نشان هدایت ارواح را برعهده دارد. البته این حیوان تفسیری از نماد دو جانبه زندگی مادی و زندگی پس از مرگ را بر دوش می‌کشد. در این میان می‌توان به مراسم زرتشتی‌های فارس برای تدفین مردگان اشاره کرد که باید حتماً سگی حضور داشته باشد. ولی این نقش، امروزه این کاربرد را در فرهنگ و هنر ایفا نمی‌کند.

مار: مار نیز از دیگر حیواناتی است که در صحنه شکار حضور دارد. آنچه در مورد مار تصور می‌شود، کمی متفاوت است. مار در ایران باستان، نشان سلامتی و سرزندگی می‌باشد. کلمه بیمار نیز از همین مفهوم نشأت می‌گیرد و به کسی که سلامت خود را از دست داده، بیمار اطلاق می‌شود. مار که نشانه حیات جاودان است، در دوستکامی مهری زندگی می‌ریزد که امروزه نشان داروسازی می‌باشد. (تصویر ۹) و (تصویر ۱۰)



تصویر ۱۰: نماد شرکت داروسازی - تصویر از اینترنت

تصویر ۹: دوستکامی مهری - هینلز

گاو: در تمامی مهرابه‌های مهری روایت کشته شدن گاو، بدون استثنا نقش بسته است. میترا با خورشید پیمان می‌بندد و پس از آن، کلاغ (حامل پیام خورشید) خواستار کشته شدن گاو است و میترا بدون رضایت قلبی (چنان که در تمام نقش برجسته مشهود است) گاو را می‌کشد و از خون آن، زندگی و نباتات جریان می‌یابد.

جدال میان گاو و شیر که ما را به یاد نقش برجسته تخت جمشید می‌اندازد، و جدال مهر و ماه است که از آن زندگی سرچشمه می‌گیرد. گویی خورشید و ماه، همیشه در جنگ طبیعی به سر

می‌برند تا روز و شب پدید آید. تابستان و زمستان با هم در جنگ هستند تا فصل‌ها پدید آیند. «در ایران باستان، به ویژه عصر اوستایی، سال به دو فصل تقسیم می‌شد: تابستان و زمستان. عید نوروز جشن آغاز تابستان و مهرگان جشن آغاز زمستان بود.» (بهار، ۱۳۷۵، ۶۲) (تصویر ۱۱)

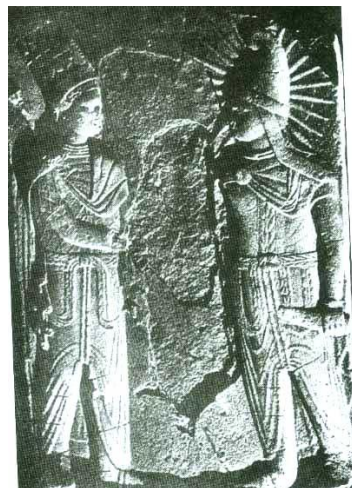


تصویر ۱۱: جدال مهر و ماه - تصویر از اینترنت

خورشید و چلیپا: در ابتدا خورشید از مهر جدا بوده و با هم پیمانی بر درستکاری و نظرات به عهد و پیمان داشته‌اند. ولی به مرور زمان، خورشید خود نمادی از خود میترا و با آن درهم آمیخته شده. در تمامی تصاویر مربوط به مناسک مهری تشعشعات خورشید دیده می‌شود (گاه در قالب کلاه میترا) (تصویر ۱۲)

خورشید یکی از مراحل هفت گانه تشریف مهری بوده. در ایران باستان علم غالب، علم نجوم است. خورشید یکی از صور فلکی مهم و مورد توجه شاهان بوده که اغلب منجر به خوش یمنی وی و سایر ایرانیان می‌گشته است. برج منطبق بر خورشید تابان، ماه آمداد تعیین گشته که شیر نماینده خورشید بر روی زمین است و در مردادماه، تشعشعات خورشید، همچون یال‌های شیر، همه جا را فرامی‌گیرد؛ که هر دو از نمادهای اصلی میترا می‌باشند. از این رو، نشان شیر و خورشید درهم آمیخته و افکار باستانی ایران را برای چند هزاره به دوش می‌کشند. خورشید که ابتدا نشانی چند شاخه‌ای ترسیم می‌شد، کم کم تبدیل به چلیپا گشت که چلیپا نیز برای خود معنا و مفهوم گسترده‌تری رقم زد. (و حتی نمادی از آتش نیز به شمار می‌رود). نمونه‌های استفاده از خورشید و چلیپا در ایران باستان بی‌شمار است. (تصویر ۱۳ و ۱۴) و در تمدن اسلامی ایرانی نیز بسیار پر کاربرد می‌باشد و در مسجدسازی، رکن اساسی را ایفا می‌کند (تصویر ۱۵ و ۱۶). (برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد. بررسی نماد شیر و خورشید در ایران باستان، بهارلو، ۱۳۸۹).

تصویر ۱۲: مهر و انیتوخوس دریادمان نمرود داغ - مقدم



تصویر ۱۳: نقش چلیپا روی کاشی کف از والبروک لندن - مقدم

تصویر ۱۴: سفال چهارم هجری - گرگان - کیانی



تصویر ۱۵: مسجد جامع اصفهان - هینلز

پس از بررسی نمادهای آیین مهری، این نکته حائز اهمیت است که این المان‌ها تا به کجا ادامه داشته و در فرهنگ امروزه ما، چه نقشی را ایفا می‌کنند که به بررسی برخی از این تأثیرات می‌پردازیم:

شب یلدا

«مراسم شب چله یا شب یلدا از مراسمی است که پیشینه‌ای بس دراز دارد. شاید به جرأت بتوان گفت که مراسم شب چله، هم زمان با پیدایش جشن‌های آفرینش و نوروز و مهرگان و شاید هم بسیار دورتر از آنها، در میان آریائی‌ان برگزار می‌شده است. (سیمائی، ۱۳۸۷، ۵۳۱)

شب چله که نام سریانی آن یلدا می‌باشد، بلند شب سال است. در تفکر مردم ایران باستان، شب و سیاهی نماینده اهریمن و نور و روشنایی نماینده اورمزد پاک می‌باشد. به همین منظور، تولد مهر بعد از بلندترین شب سال گمارده شده تا با زایش خورشید، بر تاریکی‌ها و اهریمن چیره گردد. و روزها هم کم کم بلندتر می‌شوند.

این سنت به روم باستان هم راه یافته و در زمانی که دین آنها میترائیسم بوده است، این شب را جشن می‌گرفته‌اند که بدون حساب روزهای کیبسه به ۴ دی منتقل شده و بعدها مهریان رومی این روز را به عنوان روز زایش مسیح (ع) انتخاب کردند و به دنبال این مسأله، تأثیرات بسیاری را وارد مسیحیت نمودند.

از دیرباز تاکنون، شب یلدا، شب گرمی در نزد پارسیان می‌باشد که با احیاء آن در منازل بزرگ خاندان برگزار می‌شود. استفاده از میوه‌های سرخ که نمادی از رنگ طلوع خورشید در پگاه می‌باشد، رایج است. (رنگ سرخ و ارغوانی، از نمادهای مهم مهری شمرده می‌شود که در اکثر نقوش مرتب، میترا ردای سرخ بر تن دارد.)

جشن مهرگان

«جشن و اختصاص دادن روزهایی به تفریح و شادی، از ویژگی‌های فرهنگی همه‌ی جوامع می‌باشد. جشن واژه‌ای است بسیار کهن و ایرانی که نشان از سنت‌های ویژه‌ی ایرانی دارد. ریشه‌ی این واژه «سین» اوستایی و «یزشن» پهلوی و به معنی ستایش و پرستش است.» (بُز آبادی فراهانی، ۱۳۸۹، ۹).

یکی از جشن‌های بسیار مهم ایرانی که همتای نوروز به شمار می‌رود، جشن مهرگان می‌باشد. مهرگان از دو جنبه حائز اهمیت است: پیروزی با شهامت کاوه آهنگر بر ضحاک و به تخت نشستن فریدون که روزهای آسایش را برای ایرانیان رقم زد.

جمعه دوم این که ماه مهر متعلق به میترا می‌باشد و جشن بزرگ مهرگان (در شانزدهم ماه) به پاسداشت وی، هرچه باشکوه‌تر برگزار می‌گردید. امروزه در بسیاری از نقاط ایران و سرزمین‌های پارسی زبان این مهم را جشن می‌گیرند. (از جمله می‌توان به مشهد اردیبهشت اشاره نمود).

«امروزه هم، در میان هم وطنان زرتشتی و در برخی از شهرها و روستاها، جشن مهرگان با کم و بیش اختلافی، همانند گذشته برگزار می‌شود. سفره ویژه مهرگانی به نام وِدرین (vederin) می‌گسترند که در آن انواع میوه‌ها و گل و آجیل مخصوص (گُرک)، بوهای خوش، آیینه، سرمه دان، شرب، شیرینی و انار و سیب قرار دارد. ظرف‌های سنجد و بادام و پسته و خوراکی‌هایی از آش و حلوا و سیروگ، کماج و چنگ مال هم در سفره می‌گذارند. (سیمائی، ۱۳۸۷، ۴۶۴)

مهرگان قدمتی بسیار دیرینه دارد. همان طور که نوروز را به جمشید نسبت می‌دهند، مهرگان را نیز به قدرت و شهامت کاوه آهنگر و یکپارچه شدن ایران توسط فریدون، منتسب می‌دانند. و این به مناسبت تشکیل دوستی یکپارچه و همه گیر است که شاید برای اولین بار در هزاره سوم ق.م. شکل گرفته باشد. و این قدمت مهرگان را می‌رساند.

زورخانه

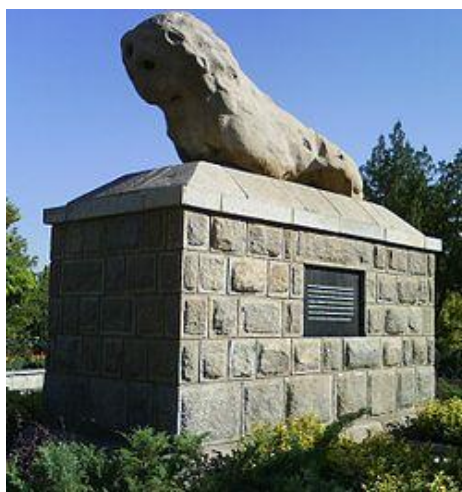
زورخانه ریشه در دوران بسیار کهن ایرانی دارد. در زورخانه ورزش باستانی در جریان است که دقیقاً بیان‌گر آن چیزی است که روزی در مهرابه‌های مهری رایج بود.

همان طور که گفته شد، میترا مروج آیین پهلوانی و درستکاری و نظارت بر زندگی روزمره مردم است و مراقب عهد و پیمان میان مردمان می‌باشد. معماری زورخانه همانند معابد مهری می‌باشد. برای نمونه، در زورخانه کوتاه‌تر از قامت مردان است تا در هنگام ورود سر فرود آورند که نشانه کنار گذاردن غرور است و این از ابتدایی‌ترین مراحل پهلوانی به شمار می‌رود. همچنین در زورخانه از تصاویر و رشادت‌های رستم نقش گرفته و بر در مهرابه مهری، صحنه شکار گاو میترا نقش بسته است. نکته دیگر این است که در زورخانه، همانند مهرابه‌های مهری، زنان حق ورود ندارند. و نیز همانندی دیگر آنها، هفت مرحله تشریف می‌باشد.

شیر سنگی

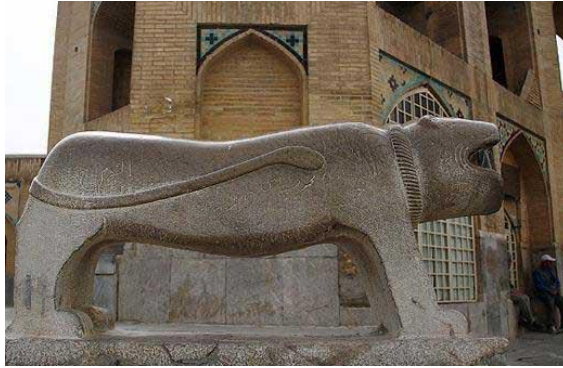
همان طور که می‌دانیم، شیر چهارمین مرحله تشریف آیین مهری و نماد وی محسوب می‌شود. خورشید بزرگ‌ترین منبع نوری جهان باستان، مظهر میترا در آسمان‌هاست و در زمین، آتش تقدس این ایزد را دارد. و در میان جانوران، شیر نماینده وی می‌باشد.

«از میان جانوران، قوی‌ترین جانور، یعنی شیر، منسوب به مهر است و از قدیم‌ترین زمان‌ها ارتباط نجومی بین شیر و خورشید را می‌شناختند و قسمتی از این انتساب نیز از آن بابت است.» (دادور، برازنده، ۱۳۹۲، ۲۲۰) (تصویر ۱۷)



تصویر ۱۷: شیر سنگی همدان - تصویر از ویکی پدیا

از آنجاکه یکی از وظایف میترا، پاسداری از فره کیانی و فره ایرانی است، در بیشتر جاهای مهم شهر (مانند کاخ‌ها و دروازه) و بر روی گورهای افراد مقتدر و متصل به آئین مهری، پیکره شیر دیده می‌شود که جنبه پاسداری را به نمایش می‌گذارد. امروزه نیز این سنت، در برخی از روستاها و شهرها به چشم می‌خورد و حتی نمونه‌ای از شیر، در اماکن مقدس قدیمی ایرانیان هم دیده شده است. همچنین شیر سنگی، مزین برخی نماهای شهری امروزه می‌باشد. (تصویر ۱۸) (تصویر ۱۹)



تصویر ۱۸: شیر سنگی - پل خواجو - اصفهان - تصویر از اینترنت

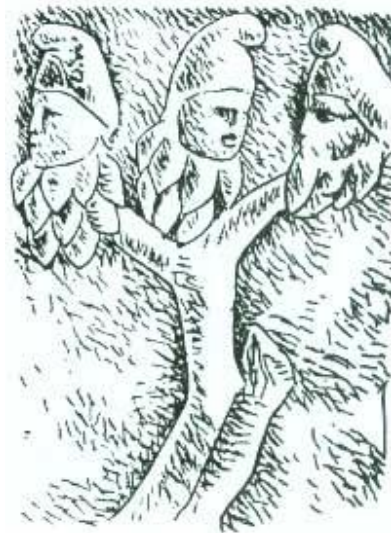


تصویر ۱۹: نقاشی روی کاشی - شمس العماره - تهران - سیف

بنه جقه

جقه نشانی از سرو است. سرو همیشه جاویدان و پاینده، و در تمام فصول سرسبز می‌باشد. و این که «در باورهای اسطوره‌ای ایران، انتساب به صفت آزادگی، به سرو یادگار ارتباط آن با ناهید است که در اساطیر و افسانه‌ها، رمزی از آزادی و آزادگی به شمار می‌رود. در آئین میترا نیز درخت سرو، وقف خورشید است. درخت‌های سرو سه گانه، گویای تثلیث میترا هستند: در ناحیه‌ی پتو

petto ، همین اندیشه در تصویری از درختی سه شاخه دیده می‌شود. بر سر هر یک از شاخه‌ها کلاهی فریجی نقش شده است. (عطروش، ۱۳۸۵، ۴۳) (تصویر ۲۰)



تصویر ۲۰: سر مهر و دو شعله دار روی درخت - آلمان - مقدم

در باورهای زرتشتی نیز درخت سرو از قداست خاصی برخوردار است. و این روایت وجود دارد که اولین بار درخت سرو را زرتشت از بهشت به روی زمین آورد و در کاشمر کاشت. بسیاری از شعرا و کتب تاریخی و داستان نویسان از این سرو یاد کرده‌اند. بدین گونه که (متوکل خلیفه عباسی)، خواستار قطع اماکن این درخت شد. و شومی این کار مرگش را رساند. هنوز هم در مکان‌های مقدس و مذهبی ایرانی، درخت سرو را می‌توان دید. نقشینه سرو چه به صورت درخت کامل و یا به صورت خمیده (بته جقه)، در تمامی هنرهای اسلامی حضور پر رنگی دارد. از جمله در پارچه بافی و نگارگری و معماری. با همان مزمون پایداری و ایستادگی!

جقه

یکی از شعارهای ایران که در جامه‌های ترمه (بته جقه‌ای، رسمی) و فرش‌ها منقوش کنند. گل کلاه (پَر) ابتدای ساخته از پر پرندگان که بر بالای پیش کلاه پادشاهان ایران است و آن کوچک کرده سرو سرافکنده می‌باشد.» (غیبی، ۱۳۸۷، ۵۹۴). (تصویر ۲۱-۲۲)



تصویر ۲۱: قالی شاه عباسی لچک ترنج - گردآوری شرکت سهامی فرش ایران



تصویر ۲۲: پارچه ازبکی - تصویر از نگارنده

مهر و میزان

میزان به معنای ترازو و عدل، نام هفتمین ماه سال خورشیدی «مهر ماه» می‌باشد که وجه دیگر میترا را به نمایش می‌گذارد. الهه عهد و پیمان و نظارت به تمامی پیمان‌ها. و کسانی را که وفای عهد خویش نکرده‌اند، نابود سازد که ایران از بدی، زشتی و دروغ پاک باشد. در زندگی پس از مرگ، عدل و داد را برقرار کند و نماینده اورمزد پاک برای رسیدگی به اعمال بندگان باشد. (اشاره‌ای به پل چینو در فرهنگ ایرانی = پل صراط در فرهنگ اسلامی)

نماد عدل و داد امروزه؛ برگرفته از این مفاهیم دقیق و اصیل است. قواعدی که انسان را رو به



تعالی می‌برد و در فرهنگ ایران باستان بسیار به چشم می‌خورد، ردپای‌شان در فرهنگ‌ها و ادیان دیگر، به وضوح یافت می‌شود. (تصویر ۲۳)

تصویر ۲۳: مهر و میزان - دادگستری تهران

- تصویر از اینترنت

مار زندگی بخش

مار نشان سرزندگی و توانمندی در ایران باستان به شمار می‌رود. «مار از نمادهای مادی فرهنگ مهر و دو مار روی دوستکامی (نماد پزشکی و داروسازی)، راه به آیین مهر دارند. دوستکامی مهری که دو مار در آن زندگی می‌ریزند که امروزه نشان داروسازی است.» (هینلز، ۱۳۸۹، ۲۴۵)

متون ایران باستان

اوستا

در بخش بندی اوستا، بخش مرسوم به شیت‌ها می‌باشد. یشت‌ها در باب اسطوره‌ها و ایزدانی است که قبل از ظهور زرتشت در ایران پرستش می‌شده‌اند که با ظهور زرتشت از مقام ایزدی آنها کاسته و به تنزل مقام به عنوان فرشته یاد می‌شوند. یشت مربوط به میترا، مهر یشت نام دارد که به توصیف وی پرداخته.

ارتاک ویراز نامک

«کمدی الهی دانته را به خاطر می‌آورد. زیرا موضوع آن سوی روحانی به جهان مینوی (یعنی بهشت، اعراف و دوزخ است) مؤلف این کتاب نیز، مانند بیشتر موارد، روحانی ناشناس بوده است که مشاهدات روایی ارتاک (ارتاک به معنای دادگر و راست دین است!) را به طرزی گیرا و گاهی یکنواخت تشریح کرده تا کردارهای نیک و بد و عواقبی را که در بهشت، اعراف و دوزخ بر آنها مترتب است، در پیش مؤمنان مجسم سازد.» (ریپکا، ۱۳۸۵، ۶۴).

ارتاک پس از نوشیدن شهد مخصوص، به خوابی عمیق می‌رود و به مدت هفت روز، روح آن سفر موبدی خوش را آغاز می‌کند که در این سفر، از فرشته مهر نیز یاد شده که در پل چینود، عدل و داد را اعمال می‌کند. این متون، بعد منجر به نوشتن کمدی الهی دانته گردید.

تقدسی عدد هفت

در نزد ایرانیان، از دیرباز، هفت عدد مقدس به شمار می‌رفته است. در آیین مهری، مراحل تشریف هفت گام دارد. این تقدس به دین زرتشت و بعدها به باورهای فرهنگ اسلامی نیز راه یافت. چنان که در هگمتانه «کاخ هفت تالار مشهور هگمتانه هنوز پابرجاست. «بر روی یادمان‌های هفت سرو که دلالت بر هفت سیاره دارد که روح در سفر خود رو به آسمان از آنها می‌گذرد.» (هال، ۱۳۸۰، ۲۹)

هفت آتشگاه بزرگ و هفت اختر (که بیش صحبت آن را کردیم) و هفت آسمان از تقدسات ایرانیان به شمار می‌رود. و هفت دریا از داشته‌های ایران باستان همچنین هفت می‌باشد. امشاسپندان، یاوران و نزدیک‌ترین فرشته‌ها نزد اهورا مزدا هستند (که میترا نیز یکی از آنها به شمار می‌آید!) مقبره کوروش دارای هفت پله می‌باشد، تا به بالاترین نقطه از این زیگورات برسیم. نوروز (مهم‌ترین آداب ایرانیان) هم دارای هفت سین می‌باشد. که همگی ریشه نباتی دارند. «و به رسم آیین مهری، از دیرباز، تخم مرغ که نشان از تخم کیهانی است، گذارده می‌شود.» (هینلز، ۱۳۸۹،

۲۴۲). در غنای متون و ادبیات پارسی نیز، این عدد بسیار تکرار شده؛ مانند هفت خوان رستم که هفت مرحله تشریف مهری را یادآور است و سرانجام آن نجات یافتن از اهریمن درون می‌باشد. البته اسفندیار نیز گذر از هفت خوان را دارد. همچنین در اشعار دیگر، هفت پیکر نظامی و نماد هفت شهر عشق عطار (برای رسیدن به درستی) ما دارای این ویژگی هستند.

هاله دو سر نگارگری

سنت اطلاق نقش هاله مقدس به اسطوره و الهه، در هزاره سوم قبل از میلاد، توسط هند و اروپایی‌ها وارد فلات ایرن شد. و مفهوم فره یا خُره را شکل داد. به طور کلی سه نوع تقسیم‌بندی برای فره وجود دارد.

۱- فره کیانی ۲- فره زرتشت ۳- فره ایرانی

اولین فره به پادشاهانی لایق داده می‌شود که اگر نابکاری در آنها پدید آید، میترا می‌تواند این فره را از آن کیان بازگیرد و به شخص دیگر بدهد (مانند گرفتن فره از جمشید!). فره بعدی مخصوص خود زرتشت می‌باشد. و می‌شود آن را نور دانست. این همان نوری است که عالم انوار ازلی در کهکشان به ترتیب در خورشید و ماه و ستارگان سیر می‌کند و در نهایت به آتش افروخته خانه نیای مادری زرتشت می‌رود و به هنگام ولادت دغدو، مادر زرتشت به او می‌پیوندد و تا هنگام زادن زرتشت پیکر دغدو را نورانی می‌کند. بدین ترتیب برای نخستین بار تجسم عینی انسان نورانی در ذهنیت آریاییان شکل می‌گیرد.» (آیت الهی)

و فره ایرانی که هر ایران تباری از این فره برخوردار است (علل خصوص تورانیان از آن مهم نهی شده‌اند). بیان نکته دیگر این است که معابدهای مهری به صورت شرقی و غربی ساخته می‌شدند و در قسمت شرقی، مهراب قرار داشت که پیر، نماینده میترا در آنجا مشغول اجرای مناسک می‌شد. مهراب سوراخ‌هایی طولی رو به بیرون داشته است.» اکثر مراسم‌های مهری در پگاه صورت می‌گرفت و در زمان طلوع خورشید، انوار نور دو سر فرد نیایشگر به صورت هاله نور دیده می‌شد. همچنین در اکثر نقش برجسته‌های میترا، این حالت دور سروی دیده می‌شود. (تصویر



تصویر ۲۷: نقاشی روی کاشی - نیمه اول قرن چهاردهم ه. ق. همدان - یوسف سیف

این کار نمادین تمایزگذاری، از ایران وارد روم (تمدن غربی آن زمان) گردید و بعدها وارد هنر مسیحی شد.

هاله نور در هنر نگارگری اسلامی وارد شده و برای بیان وجه تمایز آن با هنر مسیحی، این هاله گاه به صورت شعله‌های آتش نمایان می‌شود. تفکر فره مندی در فلسفه اسلامی بسیار مشهود است و از مراتب سیر و سلوک به شمار می‌رود. «فره یا خره از مهم‌ترین بخش‌های فلسفه شیخ اشراق در باب نور محسوب می‌شود. از منظر او فره یا خره نوری است که از ذات خداوند ساطع می‌شود و به این طریق بعضی از مردم بر بعضی دیگر برتری می‌یابند و هر یک به عمل و یا طاعتی توانا می‌گردند. آن فره‌ای را که مخصوص شاهان گران مایه است کیان فره می‌نامند.» (همان منبع)

مناره

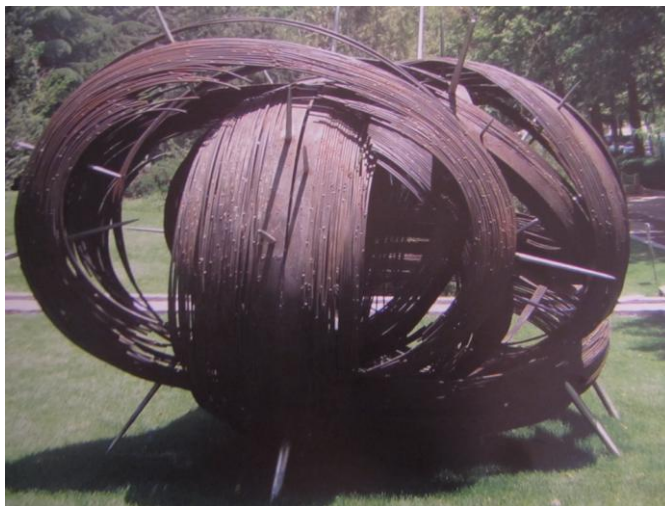
«درخت سرو در آئین مهر وقف خورشید است» (عطروش) و جایگاه نور. «مناره در معماری و درخت در طبیعت، عناصری برآمده از زمین و در طلب آسمان هستند که نمایشگر ارجاع به جهان بالاتر می‌باشند.» (افهمی، ۱۳۸۸، ۱۰)

«منار به لحاظ لغوی، جای نور و روشنایی می‌باشد و در کنار جاده، برای روشن کردن چراغ راه به کار می‌رفته.» (عمید، ۱۳۳۷، ۱۲۱۴).

نور و درخت سرو یادآور آیین مهری‌اند؛ و البته جالب است که در عهد باستان هم در اغلب موارد، مناره‌ها کاربردی مذهبی داشته‌اند. «وجه تسمیه مناره، جای نور در بلندی و مکان برافروختن چراغ است.... در زیارتگاه‌ها، برج‌ها مکمل فضای معبد خویش‌اند و مجموعه فضاهای برج و معبد، به عنوان فضای واحد شناخته می‌شوند.» (زمرشیدی، ۱۳۷۴، ۱۶۹)

چلیپا

چلیپا یا گردونه مهر، تصویری پر اهمیت در تاریخ هنری ایران است. با مفاهیم گوناگون! گاه این چهار قسمت، تشبیه به چهار عنصر اصلی شده و گاه چهار فصل و چهار جهت اصلی و از دیرباز تاکنون، این نقشینه بر روی بسیاری از سفالینه‌ها، پارچه‌ها، نقش برجسته‌ها و ... نقش بسته. در دوران اسلامی، به دلیل منع تصاویر حیوانی، موتیف‌های گیاهی و نقوش اسلیمی بسیار کاربرد داشته است. و از ابتدا استفاده نقش چلیپا در مسجدها جایز اهمیت می‌باشد. چلیپا در آجرکاری، کاشی‌کاری و گچ‌بری مساجد با زاویه ۳۰ و ۶۰ درجه طراحی می‌شود و ذکر اسامی مقدس را در درون خود جای می‌دهد. (تصویر ۲۵)



تصویر ۲۵: گردونه مهر - محمدرضا ذبیح‌اله زاده - آهن - بوستان نیاوران - ۱۳۸۵ -
نخستین سمپوزیوم بین‌المللی مجسمه‌سازی تهران - گردآور سازمان زیباسازی شهر تهران

اصطلاحات و نام‌های مهری که امروزه کاربرد دارند

بار غار: اشاره به محل نیایش مهربان دارد که امروزه کنایه از یاران و دوستان باوفا است.

شیرزن و شیرمرد

مستی و راستی: اشاره به مراسم مهری دارد که هوم را نوشیده و از خود بی خود می‌شدند تا

رازی در میان آنها نماند و امروزه کنایه از راستگویی دارد.

مهر سگوت بر لب زدن: اشاره به مراحل اولیه نوآموز و مهری دارد که مهری به لب وی می‌زدند تا

رازدار باشد که امروزه نیز به همین منظور به کار می‌رود.

اسامی چون مهرداد - مهرپویا - مهرزاد - مهرنیا - مهرشاد - مهرانگیز - مهربان - مهربانو -

مهری - مهرشید - مهرنوش - میترا و ... نیز از اسامی برگرفته از آئین مهری می‌باشند.

جالب است که یکی از اولین نمایشگاه‌های قرن معاصر به نام مهرگان گذارده شده است.

«مهرگان، باشگاه [خانه معلم] مرکز تجمع فارغ التحصیلان دانشسرای عالی، که در میانه دهه ۱۹۵۰

/ ۱۳۳۰ ش فعالیت قابل ملاحظه‌ای در زمینه‌های فرهنگی داشت. در زمانی که تهران فاقد مکان

معینی برای ارائه آثار هنری بود، هنرمندان سنتگرا و نوپرداز آثارشان را در محل این باشگاه به

نمایش می‌گذاشتند. بدین ترتیب، باشگاه مهرگان در آن سالها عرصه‌ی مقابله‌ی هواداران نقاشی جدید

با پیروان کمال‌الملک و نگارگران سنتی بود.» (پاکباز، ۱۳۹۰، ۵۵۴).

هنر مهری پس از گذشت هزاره‌ها، در فرهنگ‌ها و ادیان پس از خود رخنه کرده و پایدار مانده

است. و این در میان ما به ویژه بردین و هنر مسیحی، تأثیر فراوانی داشته که به چند نکته اشاره

می‌شود:

۱. تولد - زندگی - عروج مسیح؛ ۲. تقدس درخت کاج؛ ۳. استفاده از ردای ارغوانی پاپ‌ها؛

۴. غسل تعمید؛ ۵. ناقوس کلیسا؛ ۶. تثلیث سه گانه (پدر - پسر - روح القدس)؛ ۷. تک همسری؛

۸. صلیب؛ ۹. اسامی روزهای هفته؛ ۱۰. استفاده از کلاه مهری توسط پاپ؛ ۱۱. اصطلاحاتی چون

پدر و برادر و ... و موارد بی شمار دیگر. (برگرفته شده از عطایی)

نتیجه‌گیری

حضور مهر در ایران قدمتی چهار هزار ساله دارد. که رفته رفته زیرساخت یک آیین پر رمز و راز را تشکیل می‌دهد. و از آنجاکه متون تاریخ فرهنگی ایران و هند از ابتدا یکی بوده و عصر ودایی = ریگ ودا و بعداً از هم جدا می‌شوند، گستره و پرستش مهر از نظر جغرافیایی بسیار گسترده بوده. ایرانیان به جهت داشتن آب و هوای خشک، کوشاتر از بقیه همسایگان خود بوده‌اند و ایزدان طبیعت را مورد احترام قرار می‌دادند (در عصر کشاورزی). بسیاری از داستان‌ها و اسطوره‌ها در عصر کشاورزی ایران که عوامل طبیعی به‌خصوص آب نقش مهمی را در زندگی مردم ایفا می‌کرد، شکل گرفته است.

باری، آیین مهری چند سده قبل از رسمی شدن دین مسیحیت در روم، دین رسمی آن مرز و بوم بوده است که این خود جای شگفتی است که آیین دشمن ایران، همانند ایران گشته است. به این طریق نمادهای مهری در آیین‌های پس از خود تأثیر فراوانی گذاشته است. و این نمادها در هنر اسلامی با مفاهیم راستین اسلام ادغام شده و هنری به مانند را به جهان عرضه کرده است. از پارچه باقی و قالی بافی گرفته تا معماری.

بسیاری از مهرابه‌ها شالوده کلیساها مسیحی و آتشکده‌های زرتشتی و مساجد و مکان‌های مقدس اسلامی گشته‌اند. آنچه را که با دین اسلام مغایرت نداشته رایج یافته و آن دسته از نمادها که مغایر با اصول اسلامی بودند به دست فراموشی سپرده شده‌اند. بسیاری از داستان‌ها و هنرهای و حتی نام‌های امروزی ما برگرفته شده است از آئین پر از رمز و راز مهری می‌باشد.

منابع

- آیت اللهی، حبیب الله، اخویان، مهدی، ۱۳۸۸، تحلیل رنگ، هاله مقدس در نقاشی دیواری بقاع متبرکه ایران، کتاب تخصصی علمی - پژوهشی سنتی ایرانی - اسلامی منتشر شده
- افهمی، رضا، فرشید نیک، فرزانه، آیت اللهی، حبیب الله، ۱۳۸۸، نشانه شناسی قالی محرابی، فصل نامه گلبام برز آبادی فراهانی، مجتبی، ۱۳۸۹، جشن های تیرگان - آب پاشان - اول تابستان از آغاز تا امروز، ش ۱۴. انتشارات اوستا فراهانی.
- بهار، مهرداد، ۱۳۸۴، ادیان آسیایی، تهران، انتشارات چشمه، چاپ پنجم.
- بهارلو، طیبه، ۱۳۸۹، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده هنرهای اصفهان، بررسی مفهوم و تصویر شیر و خورشید در ایران باستان.
- پاکباز، روبین، ۱۳۷۸، دایره المعارف هنر، تهران، نشر فرهنگ معاصر
- دادور، ابوالقاسم، برازنده، مهتاب، ۱۳۹۲، هم بودی دین و هنر، تهران، انتشارات گستره.
- دادور، ابوالقاسم، منصوری، الهام، ۱۳۸۵، درآمدی بر اسطوره ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، تهران، انتشارات دانشگاه الزهرا.
- ذکرگو، امیرحسین، ۱۳۷۷، اسرار اساطیر هند، تهران، انتشارات فکر روز.
- رضی، هاشم، ۱۳۷۱، آیین مهر، تهران، انتشارات بهجت.
- ریپکا، یان و دیگران، ترجمه عیسی شهابی، ۱۳۸۵، تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان تا قاجاریه، تهران، نشر شرکت علمی و فرهنگی.
- زمرشیدی، حسین، مسجد در معماری ایران، ۱۳۷۴، تهران، کیهان.
- سیمائی، جلال، ۱۳۸۷، فرهنگ جشن های آریایی، تهران، انتشارات سیمرو.
- عطایی فرد، امید، ۱۳۸۶، پیامبر آریایی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات تهران.
- عطروش، طاهره، ۱۳۸۵، بته جقه چیست؟، تهران، انتشارات فرهنگی هنری سی بال هنر.
- عمید، حسن، ۱۳۶۹، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- غیبی، مهرآسا، ۱۳۸۷، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران، نشر هیرمند.
- کریستین و ستا سرخوش، ۱۳۹۰، اسطوره های ایرانی، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
- گویری، سوزان، ۱۳۸۵، آناهیتا در اسطوره های ایرانی، تهران، نشر ققنوس.
- مقدم، محمد، ۱۳۸۸، جستاری درباره مهر و ناهید، تهران، انتشارات هیرمند، چاپ سوم.

- معصومی، غلامرضا، ۱۳۸۷، مقدمه‌ای بر اساطیر و آیین‌های باستانی جهان، تهران، پژوهشکده و هنر اسلامی.
- ناس، جان بایر، ۱۳۷۰، تاریخ سکه از قدیم‌ترین ازمه تا دوره ساسانیان، تهران، انتشارات یزدان.
- ورمازن، مارتین، ۱۳۹۰، آیین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاده، تهران، نشر چشمه.
- هال، جیمز، ترجمه رقیه بهزادی، ۱۳۸۰، فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب، تهران، نشر فرهنگ معاصر.
- هینلز، جان، ۱۳۸۹، شناخت اساطیر ایران، ترجمه باجلان فرخی، تهران، انتشارات اساطیر.
- هینلز، جان، ۱۳۸۸، اسطوره‌های ایرانی، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۸۸، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران، نشر فرهنگ معاصر.

